

يك بام و دو هوای غرب در مواجهه با آزادی بیان

## نمایش بی سانسوری

علی سلیمی

روزنامه نگار

«همین خانم ابتکار که در گذشته معاون رئیس جمهور بودند، يك کتابی در باب قضیه سفارت آمریکا، به اصطلاح این لانه جاسوسی نوشتند. خود ایشان جزو آن دانشجویهایی بوده که در آن کار شرکت کرده بودند. ایشان دوره کودکی اش را در آمریکا گذرانده است؛ مرحوم دکتر ابتکار - که از دوستان ما بود - سال ها در آمریکا بوده و این خانم خیلی به زبان مسلط است و نگارش و تکلمش خیلی خوب است.

این کتاب را به انگلیسی نوشته و بعد يك نفر آن را به فارسی ترجمه کرده بود. خود ایشان به من گفت، پیش هر ناشر آمریکایی که رفته بود، حاضر نشده بود این کتاب را چاپ کند. در حالی که آنها اصرار دارند که مسأله اشغال سفارت را به عنوان يك زخم التیام نیافتنی، دائماً تکرار کنند... حاضر نیستند رها کنند. از دیدگاه خودشان، آن را به عنوان يك حرکت تروریستی و وحشیانه تلقی می کنند. حالا يك دختر خانم دانشجوی روشنفکری که نه امل است، نه عقب افتاده است، نه تحصیل نکرده است، نه سابقه تروریستی دارد و خودش در آن قضیه بوده، ایشان قضیه را تشریح می کند؛ حاضر نیستند این را چاپ کنند. ببینید مسأله این است. خب، او ملاحظه سیاست خودش را می کند. در آمریکا این نمایش بی سانسوری فقط در مورد آن جاهایی است که به اصول آمریکایی اصطکاک نداشته باشد.

آنجایی که اصطکاک پیدا می کند، چه به اصول آمریکایی و چه به مصالح فوری آمریکایی - مثل مسأله جنگ خلیج فارس که زمان بوش پدر انجام گرفت - سانسور وجود دارد؛ خیلی کامل و خیلی رسمی و علنی؛ بدون پرده پوشی. خب، آنها مصالح فرهنگی شان را رعایت می کنند، ما هم باید مصالح فرهنگی خودمان را رعایت کنیم. ما که از

او توقع نداریم که مصالح ما را رعایت کند؛ ما از خودمان توقع داریم که مصالح خودمان را رعایت کنیم.» آنچه بالا خواندید بخشی از بیانات رهبر انقلاب در دیدار با جمعی از کارگردانان سینما و تلویزیون در سال ۸۵ است که در آن روایتی از زبان رهبر انقلاب درباره سانسور و جلوگیری از انتشار کتاب يك نویسنده ایرانی در آمریکا بیان شده است. واقعیت همین است، غرب تا جایی که پای مصالحش در میان باشد حاضر نیست کوتاه بیاید ولی در مواردی که تضادی با منافع و مصالح او نداشته باشد شعار برابری و آزادی را فریاد می زند.

کتاب خاطرات معصومه ابتکار یکی از بسیار مواردی است که در غرب اجازه انتشار نگرفته، در حالی که نمایش آزادی در غرب بسیار پر سر و صداست و کسی نمی تواند درباره آن تشکیک وارد کند. همواره تبلیغ می شود که در غرب همه از حقوق مساوی برخوردارند و همه آزادند در حرف زدن. به عبارتی آزادی بیان در غرب جریان دارد ولی با مرور پیشینه کشورهای غربی در برخورد و سانسور انتشار آزادانه اطلاعات، خلاف ادعایشان ثابت می شود.

حال کافی است در داخل کشور ماکتبی اجازه انتشار پیدا نکند یا چند سطری از آن مطابق قانون ممیزی حذف یا تلخیص شود، آن زمان است که طیفی از جامعه روشنفکری در برابر این نقض حقوق انتشار آزادانه اطلاعات به پا می خیزند. طیفی که در برابر مطالبات مردم اغلب ساکت هستند و حرفی برای گفتن ندارند، اما به این

نقطه که می رسند سخنگوی مردم

می شوند و حقوق



غرب تا جایی که پای مصالحش در میان باشد حاضر نیست کوتاه بیاید ولی در مواردی که تضادی با منافع و مصالح او نداشته باشد شعار برابری و آزادی را فریاد می زند

طبیعی آنها را مطالبه می کنند. در حالی که اگر بگوییم در غرب هم این سختگیری در ارتباط با آثار وجود دارد و هر سیستمی منافع خود را در رابطه با محتوایی که قرار است منتشر کند، می سنجد بی شک زیر بار نخواهند رفت.

حالا تمام این حرف ها به بهانه خبر لغو مجوز کتاب پرفروش «انسان خردمند» بود؛ کتابی که بسیاری باز هم به بهانه این اتفاق به قوانین تاختند و منع انتشار آن را رفتار ضدبشری خطاب کردند زیرا قانون به اجرا درآمده است.

این را باید در کنار این موضوع گذاشت که این کتاب همچنان در بازار موجود است و به فروش می رسد و لغو مجوز انتشار آن سبب نشده فروش آن متوقف شود بلکه نسخه های غیررسمی آن فعلا در کتابفروشی ها و در آینده نزدیک تر شاید در بساط دستفروش های کتاب در راسته خیابان انقلاب عرضه می شود!

این که جریانی با قوانین مخالفت می کنند به معنای این نیست که حرف آنها اشتباه است و قوانین صد در صد صحیح است، بلکه قوانین نیز نیاز به اصلاح و به روز شدن دارند، ولی چیزی که هست این که در شرایط کنونی این کتاب با قوانین موجود مجوز ندارد. به همین بهانه نمونه هایی از رمان ها و آثار مشهور ادبیات جهان که انتشار آنها با ممنوعیت همراه بوده را در این شماره مرور کرده ایم.

